

The role of international socialization in consolidating the model of collective security and stability of international security

Mohammad Reza Bigdeli *Corresponding Author*, PhD in International Relations, School of Law, Theology and Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: mrbigdeli@outlook.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

International Security, Collective Security, International Socialization, Constructivism, Security Society

ABSTRACT

With the emergence of the globalization process, new concepts such as international socialization have been formed, the current research seeks to answer the question of how the expansion and increase in the level of international socialization among governments leads to stability. Will security become international? Using the theoretical and meta-theoretical approach of constructivism and in the form of an explanatory method, the upcoming research is based on the hypothesis that the expansion and increase in the level of international socialization among governments can stabilize the international security through the consolidation of the collective security mechanism. So that from the point of view of constructivism, international socialization is considered as a process that by internalizing international values and norms, and as a result, the formation of global common knowledge, norms and ideas and its transfer from one actor to another, ultimately leads to the construction of a collective identity. This leads to the promotion of the status of international norms and shared values as well as increasing the functioning of international institutions. So that during this process, with the realization of the security community, the stability of international security is achieved through the consolidation of the mechanism of the collective security model.

Cite this Article: Bigdeli, M. R. (2024). The role of international socialization in consolidating the model of collective security and stability of international security. *International Relations Researches*, 14(3), 97-123. doi: 10.22034/irr.2024.435781.2497



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.435781.2497



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش جامعه‌پذیری بین‌المللی

در تحکیم الگوی امنیت جمعی و ثبات امنیت بین‌الملل

محمد رضا بیگدلی نویسنده مسئول، دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. راینامه: mrbigdeli@outlook.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که گسترش و افزایش میزان جامعه‌پذیری بین‌المللی در میان دولت‌ها چگونه موجب ثبات امنیت بین‌المللی می‌شود؟
کلیدواژه‌ها: امنیت بین‌الملل، امنیت جمعی، جامعه‌پذیری بین‌المللی، سازمانگاری، اجتماع امنیتی	پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از رویکرد نظری و فرائظری سازمانگاری و در قالب روشی تبیینی بر این فرضیه استوار است که گسترش و افزایش سطح جامعه‌پذیری بین‌المللی در میان دولت‌ها می‌تواند به واسطه تحکیم مکانیزم امنیت جمعی موجب ثبات امنیت بین‌المللی شود. به طوری که از منظر سازمانگاری جامعه‌پذیری بین‌المللی به مثابه فرآیندی محسوب می‌شود که با درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی و به تبع آن شکل‌گیری دانش، هنجارها و ایده‌های مشترک جهانی و انتقال آن از یک بازیگر به بازیگر دیگر در نهایت باعث برسازی یک هویت جمعی شود که این امر ارتقای جایگاه هنجارها و ارزش‌های مشترک بین‌المللی و همچنین افزایش کارکرد نهادهای بین‌المللی را به دنبال دارد. به طوری که طی این فرآیند با تحقق اجتماع امنیتی، ثبات امنیت بین‌المللی به واسطه تحکیم مکانیزم الگوی امنیت جمعی محقق می‌گردد.
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۷	

استناد به این مقاله: بیگدلی، محمد رضا. (۱۴۰۳). نقش جامعه‌پذیری بین‌المللی در تحکیم الگوی امنیت جمعی و ثبات امنیت بین‌الملل.

پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۳)، ۹۷-۱۲۳. doi: 10.22034/irr.2024.435781.2497.

© نویسنده (گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



همواره چگونگی حفظ و گسترش امنیت بین‌المللی به‌مثابه یک دغدغه مهم و به‌مثابه معمایی چند بعدی برای دولت و سازمان‌های بین‌المللی مطرح بوده است. به‌طوری‌که اساساً نه تنها بخش عمده‌ای از مطالعات امنیتی به این مهم اختصاص دارد، بلکه مبنای پیدایش رشته روابط بین‌الملل در علل وقوع جنگ و صلح در میان دولت‌ها نهفته است. این در حالی است که اکثر نظریه‌پردازان و پژوهشگران علم روابط بین‌الملل بر مبنای دلایلی همچون سلاح‌های هسته‌ای به‌عنوان عامل بازدارنده، افزایش موج دموکراسی خواهی و شکل‌گیری دولت‌های دموکراتیک و همچنین روند روبه رشد جهانی‌سازی خصوصاً در حوزه اقتصاد تصور می‌کردند که جنگ و منازعه در میان دولت‌ها کاهش خواهد یافت. اما بعد از پایان جنگ سرد و تحولات ناشی از فروپاشی ساختار نظام دوقطبی خصوصاً در بلوک شرق و کشورهای جهان سوم، امنیت بین‌المللی به بزرگ‌ترین نگرانی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط تبدیل شده است. اگرچه در طول دهه‌ها خصوصاً در طی دو جنگ جهانی تاریخ‌ساز در قرن بیستم طیف‌های مختلف نظریه‌پردازان لیبرال و سیاستمداران عمدتاً اترناسیونالیست لیبرال با ایده تحقق صلح پایدار در چهارچوب جامعه ملل و سازمان ملل متحد تلاش داشته‌اند از طریق ایجاد و توسعه مکانیزم الگوی امنیت جمعی از صلح در سطح نظام بین‌المللی صیانت نماید اما منافع، ارزش‌ها و ادراکات امنیتی متعارض و در کل ویژگی بی‌نا ذهنی بودن مفهوم امنیت، تحقق این ایده را با مشکل مواجه ساخته است.

با این حال برخی کشورهای عمدتاً غربی معتقد به لیبرال دموکراسی و نهادهایی همچون سازمان ملل متحد همواره تلاش نموده‌اند الگویی را جهت حفظ امنیت در نظام بین‌الملل نهادینه سازند. در این بین الگوی امنیت جمعی با سابقه‌ای طولانی که اساساً برآیند منطق لیبرال محسوب می‌شود علی‌رغم تمام ضعف‌های ذاتی همواره به‌مثابه بدیلی در مقابل دیگر الگوها مطرح بوده است. اما این الگو جهت چگونگی ایجاد و حفظ امنیت در سطح نظام بین‌الملل موردنقد جدی مکاتبی همچون واقع‌گرایان قرار داشته است. به‌طوری‌که تقریباً تمام نسل‌ها و گرایش‌های مکتب واقع‌گرایی با تأکید بر آنارشی حاکم بر نظام بین‌الملل و منافع متعارض بازیگران، تحقق الگوی امنیت جمعی را بسیار آرمانی و به دور از واقعیت‌های حاکم بر نظام بین‌الملل توصیف می‌کنند. در این میان ویژگی‌های ذاتی امنیت مانند بی‌نا ذهنی بودن آن نیز بر عدم توفیق الگوی امنیت جمعی به‌عنوان یک الگوی مورد تأیید مراجع ذی‌صلاح در سطح بین‌المللی می‌افزاید. اما اکنون با توجه به روند رو به رشد جهانی‌سازی در حوزه‌های مختلف



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سه بخش ذیل خلاصه کرد: ۱-سازهانگاران معتقدند که نظام عقیدتی-ارزشی جوامع همان تأییراتی را در رفتار سیاسی آنان دارد که ساختارهای مادی دارند. زیرا که از نظر آن‌ها محیطی که در آن دولت‌ها به کنش می‌پردازند یک محیط اجتماعی و نیز یک محیط مادی است و این زمینه می‌تواند درک دولت‌ها از منافع و نقششان را شکل داده و بر این اساس نوع رفتار خارجی دولت‌ها نیز وجود می‌آید. ۲-دومین مفروضه سازهانگاران بر ساخت هویت و نقش آن در تکوین منافع و کنش دولت‌ها تأکید دارد. ۳-سازهانگاران معتقدند کارگزاران و ساختارها به شکل متقابلی به یکدیگر قوام می‌بخشند. به ع بارت دیگر سازهانگاران بر فرآیند تعامل میان کارگزاران و ساختارها تأکید دارند (قوام، ۱۳۹۳: ۳۴۱).

در چهارچوب سازهانگاری ونت ساختارهای اجتماعی واجد نوعی بعد گفتمانی ذاتی هستند یعنی نمی‌توان آن‌ها را از دلایل و برداشت‌هایی که کنشگران برای کنش‌هایشان قائل اند جدا کرد. این ویژگی گفتمانی بدان معنا نیست که ساختارهای اجتماعی را می‌توان به آنچه کنشگران فکر می‌کنند و در حال انجامش هستند فروکاست زیرا کنشگران نمی‌توانند پیشینه‌ها یا پیامدهای کنش‌هایشان را بشناسند. بلکه به این معنا است که وجود و عملکرد ساختارهای اجتماعی وابسته به برداشت‌های شخصی کنشگران است (گریفتس و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۳۶).

بنابراین ساختار هم در برداشت علی و هم در برداشت تکوینی، تحت تأثیر فرآیند است و درعین حال فرآیند نیز تحت تأثیر ساختار می‌باشد (ونت، ۱۳۹۲: ۲۷۱). سازهانگاران مفهوم مضیق امنیت و به عبارتی دیگر رویکرد صرفاً نظامی را نفی می‌کنند و حفظ امنیت از طریق موازنه قوا و بازدارندگی را نمی‌پذیرد. در مقابل سازهانگاری بر مفاهیمی مانند اعتماد و همکاری برای تحقق امنیت در سطح بین‌المللی تأکید می‌نمایند. در این بین سازهانگاران ساختارگرا از جمله ونت که هویت دولت را برساخته ساختارهای معرفتی کلان اجتماعی تصور می‌نمایند معتقدند هویت هر دولتی برساخته اجتماعی می‌باشد. از منظر این طیف هنجارها، رویه‌ها و ساختارهای معرفتی به‌مثابه متغیرهای مستقل هستند که موجب شکل‌دهی به هویت دولت‌ها می‌شوند.

۱-۱. دانش مشترک و امنیت

سازهانگاران ساختارهای اجتماعی را ساخته و پرداخته عواملی چون دانش مشترک، منابع مادی و عملکردها می‌دانند و از آنجا که در نظر آن‌ها امور لندیشه‌ای تأییری قاطع و تعیین کننده بر روندها و نتیجه پدیده‌ها دارند، لذا دانش‌داری جایگاهی مهم‌تری می‌باشد. به‌گونه‌ای که سایر موارد تحت تأثیر آن قرار دارند. سازهانگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران درباره پدیده‌ها و



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تأثیرگذار است بیشترین تأثیر را دارد. در این میان یکی از راه‌کارهایی که مورد تأیید سازه‌انگاران نیز می‌باشد به‌کارگیری روش تحلیل روند است که از طریق آن مشخص می‌شود که هنجارها از چه مدت قبل به‌صورت مستمر وجود داشته‌اند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۶۰).

۳-۱. هویت جمعی و اجتماع امنیتی

ونت معتقد است توزیع ایده‌ها، قواعد، هنجارها و انگاره‌ها همان ساختار اجتماعی نظام بین‌الملل است که در مقلیل ساختار هادی که متمرکز بر توزیع توانمندی‌های هادی است. به عبارتی درک ونت از ساختار اجتماعی به‌صورت مستقیم با مفهوم هویت تلفیق شده. به‌طوری‌که تغییرات در نظام بین‌الملل نیز تنها در سایه ایجاد تغییر در هویت دولت‌ها و برداشت آن‌ها از یکدیگر است که صورت می‌پذیرد. ونت هویت را خصوصیتی در کنشگران نیت‌مند تلقی می‌کند که موجد تعاملات انگیزشی و رفتاری است. این به معنای آن است که هویت در اساس یک ویژگی ذهنی است که ریشه در فهم کنشگر از خود دارد. هویت همچنین یک ویژگی بینا ذهنی نیز دارد. به این معنا که در تکوین هویت دو انگاره وارد می‌شود یکی انگاره‌های خود و دیگر انگاره‌های دیگری (ونت، ۱۳۹۲: ۳۲۵).

با توجه به اصول سه‌گانه نظریه ونت، سیاست خارجی یک کشور بر اساس مفاهیم بین‌الذهنی و متأثر از ساختارهای مادی و معنوی ساخته می‌شود. این برساختگی در سیاست خارجی در فرآیند ساخت هویت و نقشی که هر دولت برای خود متصور می‌کند شکل می‌گیرد و بنابراین هویت‌ها، تصور هر دولت از نقش خود در روابط بین‌الملل و منافع آن را شکل می‌دهند و بر این اساس منافع، رفتار و اقدامات سیاست خارجی به وجود می‌آید (قوام، ۱۳۹۳: ۳۴۲-۳۴۱).

هویت دولت، منافع و به تبع کنش‌های آن را جهت می‌دهد. ونت بر این امر تمرکز می‌کند که چگونه بافت‌های ساختاری، فرآیند سیستمی و رویه‌های راهبردی انواع گوناگون هویت دولت‌ها را تولید و بازتولید می‌کند. هویت‌های اجتماعی دولت‌ها گمان می‌رود توسط ساختارهای هنجاری و اندیشه جامعه بین‌المللی شکل گرفته باشد و این ساختارها ماحصل رویه دولت‌ها تلقی می‌شود (برچیل و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۸۹-۲۸۸). از یک چشم‌انداز سازه‌انگارانه نشانه یک فرهنگ کاملاً درونی شده این است که کنشگران با آن به خود هویت می‌بخشند و آن را به دیگری تعمیم یافته و به بخشی از فهمشان از خود تبدیل کرده‌اند. این هویت بخشی، حس تعلق به یک گروه یا ما، هویت جمعی یا اجتماعی است که کنشگران را در حفظ فرهنگ خود ذی‌علاقه و ذی‌نفع می‌سازد (ونت، ۱۳۹۲: ۴۹۱). از دو جهت هویت جمعی حائز اهمیت است: اول از جهت تمایز میان خودی و غیرخودی و دوم از جهت



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



متحد مورد استفاده قرار گرفت. اگرچه ایده امنیت جمعی نتایج مورد انتظار انترناسیونالیست های لیبرال حامی و طراح آن را به همراه نداشت، اما با این وجود نقطه عطفی در تاریخ روابط بین الملل است (GUIEU, 2020). ظهور تفکر بین الملل گرایی لیبرال چالشی رادیکال در مقابل دیدگاه سیاست واقع گرایانه قلمداد می شد. اندیشمندان گوناگونی از لاک تا بنتام و میل تا ویلسون از این ایده دفاع می کردند. جوهره دیدگاه بین الملل گرایی لیبرال این بوده است تا به معماری دنیایی بپردازند که مبتنی بر حکومت قانون و همکاری بین دولتها باشد (سیمبر و قربانی شیخ نشین، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

با پایان جنگ جهانی اول فاتحان جنگ تحت تأثیر مبانی فکری انترناسیونالیسم لیبرال که در سده بیستم به آرمان گرایی شهرت یافت، همواره به دنبال الگویی جهت ایجاد و حفظ امنیت در سطح بین المللی بودند. از جمله طرح هایی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی توسط افرادی مانند ویلسون ارائه شده، طرح الگوی امنیت جمعی بود. آرمان گرایان به جای تأکید بر هماهنگی طبیعی برای استقرار صلح، به دنبال ایجاد یک نظم نوین بین المللی در سایه یک سازمان بین المللی بودند (قوام، ۱۳۸۹: ۶۶).

امنیت جمعی به معنای مجموعه ای از هنجارها و قواعد برای حفظ ثبات بین الملل و جلوگیری از تجاوز است. امنیت جمعی به یک سیستم جهانی اطلاق می شود که هر یک از دولت های شرکت کننده در آن این واقعیت را پذیرفته اند که امنیت هر یک در گرو امنیت دیگری است. به عبارتی امنیت جمعی مجموعه ای از مکانیزم های مؤثر با ضمانت اجرایی عملیاتی است که به مثابه عامل بازدارنده محسوب می شود و از طرف اعضای جامعه جهانی جهت جلوگیری و مقابله با هرگونه تجاوز و بی ثباتی امنیت در سطح بین المللی طراحی گردیده است (بیگدلی و خیبری، ۱۳۹۶: ۱۳).

بعد از جنگ جهانی اول اولین تلاش در جهت حفظ امنیت بین المللی در قالب امنیت جمعی در دوران مدرن، تأسیس اتحادیه کشورهای در حال توسعه بود. اما مقررات جامعه ملل یک سیستم ضعیف برای تصمیم گیری و اقدام جمعی بود. پالمر در این خصوص به شکست ایالات متحده در پیوستن به جامعه ملل و ظهور اتحاد جماهیر شوروی در خارج از این سازمان به عنوان یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت آن در اجرای امنیت جمعی اشاره می کند. با افزایش ویرانگری و مصائب ناشی از جنگ جهانی دوم، تئوری امنیت جمعی، بار دیگر احیا شد. هدف از تشکیل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، حفظ صلح و امنیت بین المللی و جلوگیری از جنگ بود. هدف منشور و پدیدآورندگان آن، ایجاد یک سیستم عمومی امنیت جمعی برای کنترل به کارگیری و استفاده از زور بود (آلبر کلیار، ۱۳۷۱: ۵۱). مفهوم امنیت جمعی که توسط مردانی مانند مایکل جوزف سوجج، هارتین ولیت، امانوئل کلنت و وودرو



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اجرای عملیات، در قالب یک سازمان بین‌المللی داشته باشد (سنجایی، ۱۳۷۹: ۴۰-۴۱). با توجه به ماهیت و الزامات الگوی امنیت جمعی ایجاد تمایز بین این مفهوم و مفاهیم دیگری مانند دفاع جمعی، اتحاد یا ائتلاف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حائز اهمیت است. امنیت جمعی را نباید با مفهوم دفاع جمعی مترادف دانست. با وجود شباهت‌های شکلی و کارکردی شامل عملیات جمعی و جلوگیری از تجاوز این دو مفهوم دارای تفاوت‌های ماهوی هستند. امنیت جمعی به تهدیدات یک متجاوز به داخل سیستم بین‌المللی توجه می‌کند، درحالی‌که توجه دفاع جمعی^۱ معطوف به تهدیدات خارج از اتحاد و بلوک است. دفاع جمعی بر اساس یک ساختار و حتی دیدگاه مشترک ایدئولوژیک است و اهداف و دشمنان مشخصی نیز دارد. درحالی‌که امنیت جمعی دشمنان مشخص از پیش تعریف شده‌ای ندارد (بیگدلی و خیبری، ۱۳۹۶: ۱۶-۱۵). یک اتحاد توافقنامه امنیت جمعی نمی‌باشد. یک توافقنامه امنیت جمعی یک نهاد فراگیر است. اعضای آن تعهد می‌کنند که با هرگونه تجاوزی مخالفت کنند. هرچند که آن متجاوز یکی از آنها باشد برخلاف آن اتحادها نهادهای انحصاری هستند. تعهد در آن به معنای پشتیبانی سایر اعضای اتحاد از یک عضو در مقابل دیگر دولت‌های خارج از جامعه اتحاد است. هرچند که اعضای یک اتحاد ممکن است بخشی از یک سازمان امنیت جمعی به شمار روند و به اشکال دیگری از امنیت جمعی نیز درگیر باشند (قوام، ۱۳۹۳: ۲۲۱).

۱-۲. امنیت جمعی، حقوق بین‌الملل و سازمان ملل متحد

الگوی امنیت جمعی در منشور سازمان ملل متحد نسبت به میثاق جامعه ملل جایگاه نسبتاً بالاتری دارد. اگرچه در منشور سازمان ملل متحد مفهوم امنیت جمعی به روشنی بیان نگردیده است. با این همه می‌توانیم امنیت جمعی را به‌عنوان تضمین امنیت همگانی توسط همه تعریف کنیم. به‌عبارت‌دیگر سیستم امنیت جمعی بر نوعی از قرارداد اجتماعی بین‌المللی بنا شده است. بر اساس این قرارداد هر دولت عضو سازمان ملل متحد بایستی از توسل و به‌کارگیری زور در روابط خود با دیگر کشورها بر حذر باشد. (منشور ملل متحد فصل اول ماده ۲ ماده ۴). در مقابل برای ضمانت اجرای این سیستم، ارگانی متشکل از قدرت‌های بزرگ برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به نام شورای امنیت در منشور مورد شناسایی قرار گرفته است. اقدامات شورای امنیت بر اساس اختیارات و آگدا شده در ماده ۲۴ و ۲۵ و فصل هفتم منشور ملل متحد در راستای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است (ضیایی بیگدلی،

¹ Collective defense



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فرآیندی است که دولت را به سمت درونی‌سازی باورها و عملکردهای سازنده نهادینه شده در محیط بین‌المللی هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری نه تنها یک فرآیند، بلکه یک برآیند نیز محسوب می‌شود (Avdeyeva & Melin, 2021: 398). امروزه جامعه‌پذیری مرکز بخش عمده‌ای از موضوعات روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. چگونگی شکل‌گیری و تغییر اولویت دولت‌ها، شکل‌گیری هویت ملی، ایجاد، انتشار و پذیرش هنجارهای بین‌المللی و همچنین تأثیرات نهاد‌های بین‌المللی از جمله این موضوعات محسوب می‌شوند (Johnston, 2007: 4). در این بین تئوری‌های روابط بین‌الملل نیز هر یک از منظر مختلفی به این مفهوم پرداخته‌اند که سازه‌انگاری به واسطه هستی‌شناسی خاص خود رویکرد جامع‌تری به این مفهوم دارد. اما پیش‌تر بررسی جامعه‌پذیری بین‌المللی جهت درک بهتر و ایجاد ارتباط با این مفهوم نوظهور می‌بایست به ریشه آن یعنی جامعه‌پذیری سیاسی بپردازیم.

۳-۱. جامعه‌پذیری سیاسی

مفهوم جامعه‌پذیری از قدمت زیادی برخوردار نیست. به طوری که در دهه ۱۹۲۰ توسط انسان‌شناسان و دهه ۱۹۴۰ توسط جامعه‌شناسان و روان‌شناسان مورد استفاده قرار گرفته. عده‌ای از جامعه‌شناسان جامعه‌پذیری را فرآیندی می‌دانند که خصوصیات مورد نیاز فرد برای زندگی در جمع به او آموخته می‌شود. بروس کوئن جامعه‌پذیری را فرآیندی می‌داند که به انسان راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد (طلوعی، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۶). جامعه‌پذیری سیاسی در بستر مطالعات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی اشاره به بویایی‌های شناختی و اجتماعی موجود در نظام بین‌الملل دارد. این مفهوم نیازمند تعامل در سطوح مختلف تحلیل و همچنین تمرکز بر عاملیت ذاتی انواع مختلف بازیگران است. جامعه‌پذیری سیاسی برآیند ورود نظریه‌های دیگر رشته‌ها از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و غیره به مباحث مطالعات روابط بین‌الملل محسوب می‌شود (Nye, 2019).

اساساً با هر نوع تعریفی جامعه‌پذیری به مثابه یک فرآیند اجتماعی توصیف می‌شود که فرد در ارتباطات و تعاملات اجتماعی کسب می‌نماید. اما بعد از ظهور این مفهوم به مثابه یک مفهوم سیاسی در قالب جامعه‌پذیری سیاسی صاحبان اندیشه و نظریه‌پردازان تعاریف متعددی نسبت به این مهم ارائه نموده‌اند. حدود نیم‌قرن پیش هربرت هیمن از واژه جامعه‌پذیری سیاسی در مطالعاتش پیرامون روان‌شناسی رفتار سیاسی استفاده کرد. موضوع جامعه‌پذیری سیاسی به دو دلیل برای سیاست‌شناسان جذاب بود. الف- ایجاد پیوند میان فرآیند جامعه‌پذیری و توسعه فعالیت‌ها و دیدگاه‌های مطرح از نظر سیاسی. ب-



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



حالی است که پژوهشگران از منظر سنت‌های نظری مختلف همواره تصدیق می‌نمایند که جامع‌پذیری بین‌المللی یک منبع اصلی تحولات حقوقی و سیاسی بشمار می‌رود (Morin & Gold, 2016: 2-3). اکثر محققان بر این باورند که جامع‌پذیری بین‌المللی به‌مثابه یک فرآیند اجتماعی است که به سمت درونی‌سازی ایده‌هایی پیش می‌رود که در جای دیگری در سیستم بین‌المللی به وجود می‌آمده. (Schimmelfenning, 2000: 112) جامعه‌پذیری بین‌المللی از منظر سازه‌انگاری به‌مثابه فرآیندی است که به‌صورت مستقیم با درونی‌سازی هنجارها و رویه‌های تکوین یافته‌ای که در محیط بین‌المللی نهادینه شده است ارتباط دارد. از سوی دیگر جامعه‌پذیری بین‌المللی فرآیندی تعبیر می‌شود که از طریق رویه‌ها و هنجارها به بازیگران بین‌المللی منتقل می‌شود. بر این اساس و در سطح بین‌المللی، جامعه‌پذیری به‌مثابه فرآیندی انگاشته می‌شود که در آن هنجارها و الگوهای رفتاری پذیرفته شده و نهادینه شده از یک بازیگر به بازیگر دیگر منتقل می‌شود (Adler, 1991, 43-46). این در حالی است که درونی‌سازی هنجارها به معنای پیروی آگاهانه از آن‌ها به‌شمار رفته می‌شود بدون آنکه این امر نیاز به استفاده مداوم از اجبار خارجی داشته باشد (Checkel, 2005).

هنجارهای غالبی که توسط بازیگران قدرتمند پیگیری می‌شود حتی اگر مورد مخالفت نیز قرار گیرند، در سراسر جهان منعکس می‌شوند، زیرا فرآیندهای جامعه‌پذیری بین‌المللی عمیقاً در ساختارهای قدرت جهانی رسوخ کرده. در مورد مسئله سطح تحلیل این سؤال مطرح است که آیا باید جامعه‌پذیری بین‌المللی را در سطح دولت‌ها یا یک پدیده بین فردی تعریف کنیم؟ آیا هنجارهای خارجی توسط دولت تصویب می‌شوند و لزوماً از طریق افرادی که این اعتقادات را درونی می‌کنند، عبور نمی‌کنند؟ از منظر سازه‌انگاری ونت دولت‌ها بازیگرانی اجتماعی هستند و لذا به‌مثابه افراد یک جامعه می‌مانند. اگرچه کشورها ممکن نیست یک ارگانیکسم واحد محسوب شوند اما آن‌ها بر اساس هویتی که از طریق تعامل با دیگران شکل گرفته است بازیگرانی هدفمند محسوب می‌شوند که حساب‌شده عمل می‌کنند. به این ترتیب، دولت‌ها می‌توانند دیگر دولت‌ها را جامعه‌پذیر کنند و خود نیز جامعه‌پذیر بشوند، یا تعمداً ساختارهای جامعه‌پذیری را مختل کنند، به همان صورت که افراد درون جوامع این روند را انجام می‌دهند (Morin & Gold, 2016, 2016: 4-6) سازه‌انگاران به‌واسطه مفروضه‌های اصلی خود و با تأکید ویژه بر مؤلفه‌های غیرمادی مانند هنجارها و مفهوم هویت در روابط بین‌الملل توانسته تعریف قابل‌قبول‌تری نسبت به خردگرایان ارائه نماید. آن‌چنان که مفروضه محاسبه عقلانی خردگرایان را با چالش مواجه ساخته است. به‌طوری‌که در مرحله نخست و از منظر نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فرآیند جامعه‌پذیری، برداشت آزادی می‌توان از عقاید و رفتارها داشت. اگرچه همه عقاید و رفتارها مناسب محسوب نمی‌شوند. زیرا اگر کارکرد اصلی جامعه‌پذیری بازتولید و اشاعه یک نظم اجتماعی تعریف شود، آن دسته از عقاید و رفتارهایی مناسب هستند که در این نظم نهادینه شده باشند و برای آن سازنده باشند (Schimmelfenning, 2000:110-112).

۴- جامعه‌پذیری بین‌المللی و ثبات امنیت بین‌الملل در قالب تحکیم الگوی امنیت جمعی

منتقدین امنیت جمعی همواره این سؤالات را مطرح می‌نمایند که آیا اساساً یک سیستم مبتنی بر امنیت جمعی میان دولت‌هایی با سطوح مختلف قدرت و منافع در یک محیط بین‌المللی آنارشیکی قابل اجرا است؟ و همچنین آیا ایده سنتی امنیت جمعی بر روی جنگ‌های داخلی و بازیگران غیردولتی تأثیرگذار می‌باشد؟ (Newman, 2007:44). این در حالی است که اشتیاق برای دستیابی به امنیت جمعی بعد از جنگ جهانی اول روزه‌ای از امید در این جهت گشود ولی ناکامی جامعه ملل و سازمان ملل متحد برای دستیابی به این هدف، عشق به رویکرد مزبور را بی‌حاصل گذاشت (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۶).

امنیت جمعی ایده‌ای با تاریخ طولانی بر اساس صلح پایدار استوار بود اما تحقق آن تاکنون آسان نبوده است. همچنین به دلیل سطح پایین جامعه‌پذیری در بین کشورها در گذشته از دوران جنگ جهانی اول و دوم و همچنین جنگ سرد. اما پس از پایان جنگ سرد، امیدهایی شکل گرفت که الزامات مربوط به امنیت جمعی بهتر توسط سازمان ملل تأمین شود و سازمان ملل دیگر تحت تأثیر نظام دوقطبی و جنگ سرد فلج نشود (Bennet & Lepgold, 1993). امنیت جمعی به‌عنوان سازوکاری مشروع جهت حفظ و گسترش امنیت در سطح بین‌المللی دارای بایدها و نبایدهایی است که بدون توجه و رعایت آن‌ها تحقق این الگو امکان‌پذیر نخواهد بود. اگرچه تا به امروز نیز این مفهوم در معرض آسیب‌های فراوانی بوده است، اما به شکل ناقص و کم‌رنگ و یا بهتر بتوان گفت در قالب شعارهای آرمان‌گرایانه و نمادین در جریان است. مهم‌ترین چالش مقابل امنیت جمعی از منظر رویکردی بین‌ذهنی منافع و ادراکات متعارض بازیگران نظام بین‌المللی است. لذا به هر میزان که اشتراکات نظری در میان دولت‌ها افزایش یابد مکانیزم‌های الگوی امنیت جمعی نیز کارکرد خود را در جهت حفظ امنیت در سطح بین‌المللی بیش از هر زمان حفظ می‌کند که این مهم یعنی افزایش ادراکات و اشتراکات نظری میان بازیگران بین‌المللی در قالب جامعه‌پذیری بین‌المللی و به وسیله درونی‌سازی هنجارهای جهان‌شمول می‌تواند محقق گردد.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



گفتمان‌های مسلط ساخته می‌شوند (Ubranek, 2018: 262). لذا از آنجایی که سازه‌انگاری ریشه امنیت و ناامنی را در چگونگی ادراکات دولت‌ها توصیف می‌کند به هر میزان که ادراکات دولت‌ها درباره مسائل و موضوعات (خصوصاً امنیتی) ناهمگن‌تر باشد بی‌اعتمادی بیشتر میان آنان رونق می‌گیرد و دولت‌ها بیش از هر زمان در چهارچوب خودیاری و خودمحموری گام بر می‌دارند. این امر به خودی خود ناقض مکانیزم امنیت جمعی و یکی از مهمترین الزامات آن یعنی اجماع جهانی محسوب می‌شود. از این رو جامعه‌پذیری بین‌المللی به‌مثابه درونی‌سازی مجموعه‌ای از عقاید و رفتارهای جهان‌شمول توسط دولت‌ها می‌تواند در شکل‌گیری انگاره‌های یکسان و در نهایت به صورت ناخواسته و غیرارادی به تحقق درک و شناخت مشترک نسبت به مفهوم تهدید و امنیت طی رویدادهای بین‌المللی در میان بازیگران بین‌المللی بسیار مؤثر واقع شود. زیرا جامعه‌پذیری بین‌المللی به عنوان یک فرآیندی خودجوش، غیررسمی و ناخواسته محسوب می‌شود (Schimmelfenning, 2000: 110-112).

سازه‌انگاری با تأکید بر نقش مفهوم دانش و شناخت مشترک (جمعی) کارکرد جامعه‌پذیری بین‌المللی را در نهادی‌سازی قواعد و هنجارهای نهادهای بین‌المللی جستجو می‌کند. از سوی دیگر اساساً سازه‌انگاران معتقدند نحوه شکل‌گیری هویت دولت‌ها نیز می‌تواند تحت تأثیر جامعه‌پذیری بین‌المللی صورت پذیرد.. به عبارتی دیگر جامعه‌پذیری بین‌المللی در چارچوب رهیافت سازه‌انگاری به‌مثابه یک چرخه فرآیندی است که هویت‌ها و منافع نه تنها می‌تولند از نو برسازای شوند بلکه می‌تولند از بازیگری به بازیگر دیگری نیز منتقل شوند. این فرآیند در مرحله نخست با ایجاد و کسب دانش و شناخت مشترک نسبت به امنیت و تهدید حاصل می‌شود که لازمه تحقق الگوی امنیت جمعی محسوب می‌شود و منافع و ارزش‌های دولت‌ها را به سمت تطبیق و سازگاری بیشتر با اصول و مبانی امنیت جمعی سوق دهد. به طوری که افزایش و گسترش جامعه‌پذیری بین‌المللی از یک سو سبب افزایش سطح درک و شناخت مشترک در بازیگران بین‌المللی می‌شود و از سوی دیگر هویت مشابه‌ای را برای آنان به واسطه دانش مشترک برسازای می‌نماید.

۴-۲. تعهد به قوانین و سازمان‌های بین‌المللی از طریق پذیرش هنجارهای مشترک

مهم‌ترین مشکل یا آسیب‌پذیری الگوی امنیت جمعی در بعد داخلی عدم وفاداری و تعهد دولت‌ها به قوانین و ساز و کارهای نهادهای بین‌المللی است که مبتنی بر الگوی امنیت جمعی محسوب می‌شوند. برای مثال حمله امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بدون مجوز سازمان ملل و ناتوانی این سازمان برای جلوگیری از تجاوز حکایت از آسیب‌پذیری این الگو در برابر متجاوز است. این در حالی است که



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شناخت مشترک، دولت‌ها هنجارهای مشترکی را ایجاد می‌کنند که باید در جهت ایجاد مشروعیت برای اجتماع مورد احترام قرار گیرد و به واسطه پذیرش آنها (هنجارهای مشترک) از سوی دیگر بازیگران تحولات مسالمت آمیز ایجاد گردد و اجتماع امنیتی متولد می‌شود (Adler & Barnett, 1998: 38).

از سوی دیگر افزایش سطح جامعه‌پذیری بین‌المللی به واسطه پذیرش هنجارهای بین‌المللی میان دولت‌ها اساساً کارکرد و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی را در صحنه بین‌المللی نیز ارتقا می‌بخشد. به طوری که وجود هنجارهای مشترک در قالب نهادهای بین‌المللی می‌تواند مزایای زیادی برای تحکیم الزامات الگوی امنیت جمعی از جمله رکن نهادی و توان تصمیم‌گیری آن به همراه داشته باشد. چنانکه شورای امنیت سازمان ملل به عنوان بخشی از مکانیزم نهادی و ضمانت اجرایی تصمیمات الگوی امنیت جمعی از کارکرد و اهمیت بالایی برخوردار است. زیرا کلیه موضوعات در مورد صلح به شورای امنیت سازمان ملل محول شده است و شورا می‌تواند بنا به فصل هفتم منشور تصمیمات الزام‌آور اتخاذ نماید. شورای امنیت می‌تواند هر موضوعی که امنیت بین‌المللی را تهدید کند مورد بررسی قرار دهند و تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند. همچنین در منشور سازمان ملل بر نقش این نهاد در امنیت جمعی بسیار تأکید شده است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۹۱).

این در حالی است که از نظر وِنت نهادها واحدهایی شناختی‌اند که مستقل از انگاره‌های کنش‌گران وجود ندارند. هویت‌ها، منافع و نهادها همگی ناشی از فرآیندهای اجتماعی متعالی‌اند که ما برای سمت دادن به رفتار خود بر آنها تکیه می‌کنیم، اما از قبل داده شده و مسلم پنداشته شده نیستند و از طریق تعامل اجتماعی میان هویت‌ها شکل می‌گیرند و خود هویت‌ها نیز از تعامل با سایر هویت‌ها و نهادهای جمعی اجتماعی قوام می‌یابند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۴۹). به‌عنوان نمونه اعضای اتحادیه اروپا با پذیرش هنجاری مشترک آشکارا دارای سطح جامعه‌پذیری بسیار بالایی هستند و در نتیجه نهادهای مشترک در این اتحادیه از جایگاه و اهمیت بالایی در تصمیمات این اتحادیه برخوردار هستند (Hopf, 2010). (539 به همین نحو در چهارچوب نحله فکری سازه‌انگاری می‌توان این چنین استدلال کرد که افزایش و گسترش جامعه‌پذیری بین‌المللی از طریق درونی‌سازی هنجارهای بین‌المللی در عین اینکه موجب می‌شود هویت دولت‌ها به واسطه درونی‌سازی آن هنجارها و ارزش‌های بین‌المللی برسازی شود و به تبع رفتار دولت‌ها نیز ذیل قوانین بین‌المللی تحلیل می‌گردد، همزمان می‌تولند جایگاه و کارکرد واقعی رکن تشکیلاتی و مکانیزم تصمیم‌گیری الگوی امنیت جمعی را در سطح بین‌المللی تقویت و جایگاه آن تثبیت نماید.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مشترکی دارند که از منافع خاص هریک از آن‌ها مهم‌تر است و بر آن ارجحیت دارد (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۹۱). برخلاف خردگرایی که بر مدل انسان اقتصادی تأکید دارد سازه‌انگاران بر انسان اجتماعی استوار است. کنشگر اجتماعی بازیگر خردمند، محاسبه‌گر و بهینه‌گرا نیست که به وسیله مجموعه‌ای از اهداف خودپرستانه هدایت شود که بر اساس آن راهکارها و ابزارهای مقرون‌به‌صرفه را انتخاب نماید. بلکه بازیگر اجتماعی طبق نقش اجتماعی که در فرآیند جامعه‌پذیری ملی و فراملی کسب می‌کند و در موقعیت و وضعیت جاری اعمال می‌کند رفتار می‌نماید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۲۳). همانگونه که سازه‌انگاری معتقد است که ساختارها، از جمله ساختارهای بین‌المللی از مؤلفه‌های مادی و همچنین نیروهای هنجاری برگرفته شده‌اند و دارای ساختاری اجتماعی هستند، بنابراین در جامعه بین‌المللی آنارشیک بین‌المللی حتی آنارشی چیزی است که ما آن را بر ساخته‌ایم (Wendt, 1992).

چنانکه سازه‌انگاران استدلال می‌کنند امکان تبدیل نظام بین‌الملل به یک اجتماع امنیتی جهانی وجود دارد که در آن کشورها به وسیله هنجارهای اعتماد و شراکت هدایت شده و رفتار کنند. چون این هنجارها به هویت و منافع کشورها به صورتی شکل می‌دهند که به جای منازعه امنیتی به همکاری در این زمینه مبادرت ورزند از این رو برای تأمین امنیت ملی و بین‌المللی باید هنجارهای مقوم و تنظیم کننده نظام بین‌المللی را به گونه‌ای تغییر داد که کشورها اندیشیدن و عمل کردن بر مبنای توسعه طلبی و منازعه را متوقف سازند. این هدف از طریق تأسیس جوامع امنیتی تأمین می‌شود که کشورها در آن مطابق هنجارهای مشترک امنیتی و امنیت جمعی رفتار و عمل می‌کنند. در این جامعه امنیتی کشورها از قدرت نظامی و زور استفاده نمی‌کنند بلکه در عوض یک انتظار مشترک عام از تغییرات صلح آمیز شکل می‌گیرد اجتماع امنیتی در جایی و شرایطی تشکیل می‌شود که فهما، ارزش‌های فراملی مشترک در بین کشورها شکل گرفته باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۲۱). مفهوم جوامع امنیتی تلاشی است برای یافتن راهکاری برای ناامنی دولت‌ها در غرضه بین‌المللی. بنابراین با مفهوم امنیت جمعی مرتبط است، به این معنا که هدف جوامع امنیتی تأمین امنیت جمعی برای اعضا است. دویچ جامعه امنیتی را به عنوان گروهی از دولت‌ها تعریف می‌کند که تا حدی یکپارچه شده‌اند که در آن اطمینان واقعی وجود دارد که اعضای آن جامعه به طور فیزیکی با یکدیگر مبارزه نخواهند کرد، بلکه اختلافات خود را به روش دیگری حل و فصل خواهند کرد به طور خلاصه، او ادعا کرد که آن کشورهایی که در یک جامعه امنیتی زندگی می‌کنند، نه صرفاً یک نظم پایدار، بلکه در واقع یک صلح پایدار ایجاد کرده‌اند (Ulusoy, 2013: 2-4). لذا حفظ مکانیزم امنیت جمعی در جهت تحقق یک اجتماع امنیتی از طریق



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اجماع، تشکیلات نهادی و همچنین قدرت تصمیم‌گیری و اجرا را شامل می‌شود که از منظر سازه‌انگاری جامعه‌پذیری بین‌المللی به مثابه فرآیندی که دولت‌ها را به سمت درونی‌سازی ارزش‌ها و رفتارهای سازنده نهادینه شده در محیط بین‌المللی هدایت می‌کند می‌تواند موجب تثبیت و تقویت این الزامات سه‌گانه و در نهایت تحکیم الگوی امنیت جمعی در جهت حفظ و ثبات امنیت بین‌الملل گردد. به طوری که در وهله اول جامعه‌پذیری بین‌المللی به واسطه درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی باعث ایجاد درک و شناخت مشترک نسبت به مفهوم تهدید و امنیت در میان دولت‌ها شده که رکن اول امنیت جمعی یعنی اجماع در میان دولت‌ها را به همراه دارد. جامعه‌پذیری بین‌المللی با نهادینه‌سازی هنجارها و قوانین بین‌المللی و در نتیجه شکل‌گیری دانش و هنجارهای مشترک و در نهایت برسازای هویت جدید دولت‌ها منطبق با منافع جمعی و انتقال آن از یک بازیگر به بازیگر دیگر موجب ایجاد هویت‌های همگن و سرانجام یک هویت جمعی می‌شود. از سوی دیگر طی این فرآیند جامعه‌پذیری بین‌المللی موجبات تعهد دولت‌ها به قوانین و به تبع سازمان‌های بین‌المللی را نیز فراهم می‌کند که این روند نیز رکن دوم امنیت جمعی یعنی جایگاه رکن نهادی آن را تقویت می‌نماید. به صورتی که طی این فرآیند رفتار خارجی دولت‌های خود محور در قالب تعهد به قوانین بین‌المللی و به تبع پذیرش جایگاه سازمان‌های بین‌المللی به عنوان مراجع تصمیم‌گیرنده محدود شده و منافع آنها نیز با منافع مشترکی که حاصل ظهور نوعی هویت جمعی است منطبق می‌گردد. به همین نحو تعهد دولت‌ها نسبت به قوانین و نهادهای بین‌المللی که برآیند گسترش و افزایش جامعه‌پذیری دولت‌ها است خواسته یا ناخواسته قدرت تصمیم‌گیری سازمان‌های بین‌المللی و ضمانت اجرایی قوانین بین‌المللی و تصمیمات اتخاذ شده را نیز فزونی می‌بخشد که این مهم نیز رکن سوم امنیت جمعی برشمرده می‌شود. از این حیث بر مبنای یافته‌های پژوهش جامعه‌پذیری بین‌المللی به مثابه یک متغیر مستقل این قدرت را دارد که با برسازای هویت جمعی از طریق گسترش ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی در میان دولت‌ها بر اساس منطق تأثیر متقابل ساختار بر کارگزار ساختارهای بین‌المللی را نیز دگرگون ساخته و موجبات شکل‌گیری اجتماع امنیتی را فراهم سازد. یک اجتماع امنیتی که به واسطه تعدد و تنوع بازیگران بین‌المللی از نوع کثرت‌گرا محسوب می‌شود و به صورت خودکار در راستای ثبات امنیت بین‌المللی به سمت تحکیم مکانیزم امنیت جمعی میل می‌کند. به طوری می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که برآیند فرآیند گسترش و افزایش جامعه‌پذیری بین‌المللی در نهایت به دلیل شکل‌گیری منافع و ارزش‌های مشترک در میان دولت‌ها منجر به برسازای هویت جمعی می‌شود که در قالب ظهور یک اجتماع امنیتی



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



- طلوعی، علی. (۱۳۸۲). درآمدی بر جامعه‌پذیری سیاسی. مشهد: نشر ایوار
- عبداله‌خانی، علی. (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: انتشارات ابرار معاصر
- علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۹۵). گنج واژه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات آشین
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۶۹). درآمدی بر جامعه‌پذیری سیاسی، دوفصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی (مجله علوم نامه اجتماعی سابق دانشگاه تهران)، شماره ۱
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۹). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها. تهران: سمت
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۰). سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست. تهران: سمت
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد
- گریفتیس، مارتین، روح، استیون، سولومون، اسکات. (۱۳۹۳). پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۳). سازهانگاری به‌عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت
- مورگنتا، هانس جی. (۱۳۷۴). سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ونت، الکساندر. (۱۳۹۲). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- Adler, Emanuel, Barnett, Michael, (1998). Security Communities. Cambridge UP.
- Adler, Emanuel. (2008). The Spread of Security Communities: Communities of Practice, Self-Restraint, and NATO's Post Cold War Transformation. European Journal of International Relations, 14(2), 195-230.
- Adler, Emmanuel. (1991). Cognitive Evolution: a Dynamic Approach for the Study of International Relations and their Progress, New York: Columbia U P.
- Avdeyeva, O., & Melin, M. (2021). International socialization, international politics, and the spread of state bureaucracies for women's advancement. Journal of Human Rights, 20(4), 396-413.
- Bennett, A., & Lepgold, J. (1993). Reinventing Collective Security after the Cold War and Gulf Conflict. Political Science Quarterly, 108(2), 213.
- Checkel, J. T. (2005). International Institutions and Socialization in Europe: Introduction and Framework. International Organization, 59(4).
- Griffiths, M. (2007). International Relations Theory for the Twenty-First Century. In Routledge eBooks. <https://doi.org/10.4324/9780203939031>
- GUIEU, Jean-Michel. (2020) Guaranteeing Peace through "Collective Security" in the 20th Century. Encyclopédie D'histoire Numérique De L'Europe. <https://ehne.fr/en/encyclopedia/themes/international-relations/organizing-international-system/guaranteeing-peace-through-%E2%80%9Ccollective-security%E2%80%9D-in-20th-century>
- Hopf, T. (2010). The logic of habit in International Relations. European Journal of International Relations, 16(4), 539-561.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی